



خاورمیانه جدید در حال شکل گیری است

تغییر قاعده بازی پس از موضع گیری دولت ها به نفع فلسطین

رمزی بارود

روزنامه نگار فلسطینی-آمریکایی



تاریخ، کسانی را که سکوت کرده اند، موضع ممتنع گرفته اند یا بدتر از آن، از نسل کشی اسرائیل در غزه دفاع کرده اند، نمی بخشد. این یک بیانیه کلیشه ای نیست یا تلاشی ناامیدانه برای تکان دادن جهان آن هم در شرایطی که کشورهای غربی در حالی که هزاران فلسطینی کشته شده یا در حال مرگ هستند در دفاع از اسرائیلی ها دم از اخلاق می زنند. این درباره تاریخ است.

پس از حملات ۱۱ سپتامبر، واشنگتن و متحدان غربی اش می خواستند تاریخ جدیدی را بر خاورمیانه و در واقع جهان اسلام تحمیل کنند؛ تاریخی که در آن غرب وارد یک جنگ تمدنی علیه تروریسم می شد. از آن زمان، بارها و بارها به طور مستقیم یا غیر مستقیم گفته شده که عاملان آن حمله مسلمانان، دین، زبان، فرهنگ و ساختار اجتماعی آنهاست. اما واقعیت این بود که هیچ دشمنی جمعی وجود نداشت و برای همین باید اختراع می شد. پس انگشت اتهام به سوی مسلمانان گرفته شد؛ کسانی که نه تنها متحد نبودند بلکه درگیری های منطقه ای، سیاسی و حتی فرقه ای داشتند. در این سناریو آمریکایی، خاورمیانه از اسلام گرایان رادیکال تشکیل شده بود که به دلیل ضدیت با پیشرفت و تمدن غرب، یک قرارداد اجتماعی برای شکست دادن دموکراسی امضا کرده اند.

برخی از طرف های غربی از جمله اسرائیل و بسیاری از عوامل دیگر هم به این سناریو ملحق شدند. همه آنها می خواستند بخشی از این جنگ علیه تروریسم و فرصت های استراتژیک فراوانی باشند که پیش روی شان قرار می گرفت. غافل از اینکه آمریکا از این سناریو و تاریخ خیالی، دلایل خودخواهانه خودش را داشت: نفت، گاز، مانورهای استراتژیک و بازی های بزرگ ژئواستراتژیک.

مبارزه با تروریسم؛ ابداع صهیونیست ها

صهیونیست ها از همین رهگذر مبارزه خود با جنبش آزادی بخش فلسطین را که دهه ها پیش از ۱۱ سپتامبر وجود داشت، به نام مبارزه با تروریسم ادامه دادند. بسیاری از نژادپرست ها در غرب که در نهایت به تشکیلات راست افراطی که امروز می بینیم پیوسته اند، از اسلام و مسلمانان برای توجیه نژادپرستی و نفرت پراکنی خود در جنگ سیاسی شان علیه به اصطلاح لیبرال ها استفاده می کنند.

البته این سخن بدان معنا نیست که لیبرال ها بهتر از راست های افراطی هستند، حداقل بیانیه های دولت های غربی از جمله جو بایدن در واشنگتن، امانوئل مکرون در پاریس یا اولاف شولتزر در برلین نشان داد که کل نظام غرب، با رنگ های مختلف ایدئولوژیکی اش - به جز برخی استثناهای کوچک - در آزمون اخلاقی فلسطین شکست خورده است. اما خوشبختانه این بار مسئله برای فلسطینی ها متفاوت است. امروز سال های ۱۹۹۰، ۱۹۹۱ یا ۲۰۰۳ میلادی نیست؛ زمانی که آمریکا جنگ های بزرگی را در خاورمیانه به راه انداخت و اجازه داشت تا منطقه را مطابق انتظارات خود و انتظارات تل آویو و بروکسل تغییر شکل دهد. با اتحاد خاورمیانه جدید حول محور غزه، خاورمیانه جدیدی در حال ظهور است و این خاورمیانه جدید وعده می دهد که بدترین کابوس واشنگتن خواهد بود چون کسانی که پشت فلسطینی ها ایستادند حمایت شان از سر هم نژادی، هم رنگی یا هم عقیدگی نبوده است. همچنین جهان اسلام جدیدی در حال ظهور است که در آن شیعیان و سنی ها کنار هم هستند و جایی برای خشونت های مذهبی نیست. این خاورمیانه جدید حول محور غزه متحد می شود.

هنگامی که تل آویو تصمیم گرفت پس از انتخابات دموکراتیک فلسطینی در سال ۲۰۰۶ غزه را محاصره کند هرگز انتظار نداشت که فلسطینی ها بتوانند تا این مدت مقاومت کنند، مبارزه کنند و خود را به عنوان مرکز ثقل مبارزه برای آزادی فلسطین - در واقع، مبارزه علیه

امپریالیسم آمریکایی در کل منطقه - اثبات کنند. غزه به ما نشان داد که اولاً، هیچ صلح، ثبات، امنیت یا رفاهی در خاورمیانه بدون عدالت برای فلسطین و آزادی مردم فلسطین امکان پذیر نیست.

دوم اینکه، موضع گیری دولت های غربی را که کنار بگذاریم، ملت های مسلمان در مورد حمایت خود از مردم فلسطین، زمینه مشترکی پیدا کرده اند و اگر این حرکت ادامه پیدا کند بازی تغییر خواهد کرد.

سوم اینکه، اسرائیل از نظر نظامی ضعیف است و با وجود تمام اطمینان های تل آویو در طول سال ها، چیزی جز یک حکومت تابع و زبردست واشنگتن نیست. این بدان معناست که بقایش به هر شکل ممکن به پشتیبانی واشنگتن وابسته است.

چهارم، با وحدت مقاومت در سراسر خاورمیانه، نفوذ رو به رشد ایران، امتناع کشورهای عربی از پذیرش تمام و کمال نقش هایی که آمریکا به آنان واگذار می کند و موقعیت قوی چین، روسیه، ایران، ترکیه و دیگران، منطقه دیگر کنایچه بازی های آمریکا نیست.

پنجم، مقاومت مسلحانه خیالی نیست. درست است که غزه به تنهایی قادر به شکست اسرائیل نخواهد بود اما قدرت مشترک مقاومت نشان داد که تل آویو بسیار ضعیف تر از سال ۱۹۶۷ است.

ششم اینکه، غزه به اختلافات جهان اسلام پایان داده است؛ درگیری چند دهه ای که آمریکا و اسرائیل آن را تحریک می کردند.

زمانی که آمریکا جنگ خود را در سال ۲۰۰۱ در افغانستان و ۲۰۰۳ در عراق آغاز کرد، به سختی انتظار داشت که خاورمیانه تنها ۲ دهه بعد خود را فراتر از تعاریف و انتظارات آمریکایی ها باز تعریف کند. غزه کوچک جرقه ای است که انرژی های کل منطقه را دوباره متمرکز کرده است، این معجزه سیاسی است که بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی به سختی آن را درک می کنند چه رسد به توضیحش.